

بررسی موانع استقرار مدیریت دانش (مطالعه موردی: شرکت حفاری شمال)

محسن حسین، کارشناس امور اقتصادی شرکت حفاری شمال، Mohsen.hossein@hotmail.com

۰۹۱۲۱۷۸۸۲۳۷

چکیده

با توجه به توجه به اثبات اهمیت مدیریت دانش در شرکت‌های بین المللی نفتی، در این مقاله موانع استقرار مدیریت دانش در شرکت بین المللی حفاری شمال، شناسایی گردید و راهکارهایی برای پیاده‌سازی مدیریت دانش، پیشنهاد شد. بدین منظور با استفاده از مصاحبه‌های عمقی با افراد خبره و تجربه کارکنان مدیریت آموزشگاه بین المللی به بررسی موانع استقرار و پیاده‌سازی مدیریت دانش پرداخته شده است. نتایج نشان داد که عوامل انسانی به عنوان مهم‌ترین موانع استقرار مدیریت دانش شناخته شده‌اند که شامل عدم اعتماد نیروی انسانی، عدم آشنایی مدیران و کارکنان با مدیریت دانش و نبود فرهنگ مشارکت و کارگروهی در سازمان می‌باشند. از دیگر موانع نیز می‌توان به وجود ساختارهای سلسله مراتبی، عدم وجود زیرساخت‌های فناوری و تکنولوژیکی اشاره نمود. به منظور رفع این عوامل و پیاده‌سازی مدیریت دانش در شرکت حفاری شمال راهکارهایی مانند تغییر دیدگاه نیروی انسانی، تعیین موضوعات دانشی توسط مدیران شرکت و ایجاد فرهنگ اشتراک‌گذاری دانش، الگوبرداری از سازمان‌های خصوصی و ایجاد زیرساخت‌های فناوری پیشنهاد گردید.

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانش، موانع استقرار، دانش سازمانی، شرکت حفاری شمال

۱- مقدمه

امروزه با توجه به شرایط متغیر محیطی، شرط بقای سازمان‌ها استفاده از ابزارهای نوین مدیریتی است. با توجه به اینکه مدیریت دانش از موضوعات نوپای مدیریتی بوده و از موارد کسب مزیت‌های رقابتی در آینده به شمار می‌رود، پرداختن به آن در سازمان‌ها، علی‌الخصوص در واحدهای آموزش هر سازمان که رسالت خلق، آماده‌سازی، انتشار و تجاری سازی دانش را بر عهده دارند، مورد توجه است. مدیریت دانش با در اختیار داشتن ابزارهای مناسب، موجبات توانمندی‌های لازم برای بهبود در عملکرد منابع انسانی، ایجاد ارزش از دارایی‌های فکری، ایجاد کوششی هماهنگ برای تصرف دانش حیاتی سازمان و خلق راهکارهایی برای بهبود فرایند تصمیم‌گیری و افزایش بهره‌وری و نوآوری در سازمان است.

از یک دهه پیش صنعت نفت و گاز از پیشرفت‌های مدیریت دانش بهره گرفته و هم اکنون به عنوان مبحثی علمی با انواع رویکردهای انسانی، سازمانی و تکنولوژیک مورد توجه نهادها و سازمان‌های گوناگون قرار گرفته است و از اواسط دهه نود، شرکت‌های بزرگ اقتصادی، توجهی جدی بدان نموده‌اند، بگونه ای که ۷۰ درصد شرکت‌های لیست فورچون قائل به برخورداری از برنامه‌ها و طرح‌های مدیریت دانش هستند (Fropulla, 2004). از این لیست می‌توان به شرکت‌های بزرگی نظیر Siemens Pfizer, Chemical Eastman, GM, Texas West GE, BP, Shell, و غیره اشاره نمود که هر کدام در مدیریت دانش دارای سبکی خاص شده‌اند (نصر اصفهانی و همکاران، ۹۲).

هنگامی که شرکت‌های صنعت نفت و گاز به تکنولوژی جدید، استفاده از منابع خارجی، گرفتن شرکای جدید، ارزیابی مدیریت، مقررات دولتی، مدیریت ظرفیت‌ها، کاهش هزینه‌ها و مسائل محیطی تاکید می‌کنند، تیم‌های مدیریت دانش می‌توانند آنها را با استفاده از فناوری و انتقال دانش در پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و فرایند و نوآوری‌های فنی بسیار یاری دهند.